

مراسم بزرگداشت
عارف کامل علامه سیّد ابوالحسن حافظیان

۱۱ خرداد ماه ۱۳۸۹ - دانشگاه کشمیر

زندگی نامه مختصر علامه حافظیان

دانشگاه کشمیر با همکاری
رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو
و موسسه فرهنگی خاتون قلم - ایران

اعضای کمیته علمی:

ایرانی: خانم فیروزه حافظیان، خانم دکتر حکیمه دبیران،
خانم دکتر عفت نقابی، خانم دکتر پریچهر شاهسوند بغدادی
خارجی: آقای دکتر غلام رسول جان، آقای دکتر احمد غنی
خسروی و خانم دکتر قمر غفار

اهداف همایش:

- تثبیت روابط فرهنگی در کشور دوست
جمهوری اسلامی ایران و هند
- آشنایی بیشتر و عمیق جوانان دو کشور با
بزرگان علم و عرفان جهان به عنوان اسوه و
...
- بزرگداشت شخصیت های علمی، ادبی، دینی
و پژوهشی در ابعاد گوناگون احوال ایشان
آشنایی با احوال و آثار علامه سید ابوالحسن
حافظیان و تبیین خدمات ایشان در ایران و
شبه قاره

به نام خدا

زندگی نامه مختصر علامه حافظیان

عارف بزرگوار سید ابوالحسن حافظیان در سال ۱۳۳۲ ه.ق در مشهد مقدس قدم مبارک به عرصه وجود نهاد. پدر بزرگوارش حاج سید میرزا آقا و مادر با کرامتش بی بی معصومه خاتون هر دو از انسانهای پر ارج زمان خود بودند و چون پدرش به ریاضات و عملیات مشغول بود و او هم شوق و علاقه زیادی به این رشته نشان می‌داد. پدر که متوجه علاقه او گردیده بود سید ابوالحسن را به آقا شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) طاب ثراه که در آن وقت در مشهد اقامت داشت معرفی کرد تا در محضر وی حاضر شود و نزد آن استاد فرزانه درس بخواند. مرحوم اصفهانی (نخودکی) هم او را پذیرفت و تحت تعلیم و تربیت قرار داد. حافظیان روزها در مدرسه میرزا جعفر تحصیل می‌کرد و شبها در حجره فوقانی صحن عتیق جنب ایوان عباسی به عبادت و ریاضت مشغول شد بزودی در اثر استعداد سرشار نزد استادش مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی بسیار مقرب گردید و گوی سبقت را از دیگران ربود. استاد در مکتب و مجلس درسش نور و صفای وارستگی و آزادگی را در سیمای ابوالحسن دقت کرد و به هوش و نکاوت او بیش از دیگران اقرار نمود. نبوغ سید ابوالحسن حافظیان در نوجوانی به ظهوری کرامت گونه رسید و بارقه عرفان در او نمایان شد. مقدمات صرف و نحو

ریاضی، طب نجوم، هیئت، فقه و اخلاق از علومى هستند که این بزرگ مرد علم و عرفان و اخلاق نزد اساتید فرا گرفت و در هر یک از آنها به کمالى شایسته و بایسته نایل آمد. او در این ایام همیشه مترصد بود از اساتید دیگر هم استفاده کند. او از مرتاضان و عارفانى که برای زیارت از شهرهای ایران و کشورهای دیگر به مشهد مقدس مشرف می‌شدند نیز بهره‌مند می‌گردید.

اساتید

علاوه بر عارف بزرگوار حاج شیخ حسنعلی نخودکی دو استاد بزرگ عصر علامه سید موسى زرابادى و علامه حاج سید مظهر حسین هندی در اكمال توانایی‌های معنوی استاد حافظیان تاثیر بسزائی داشتند. او شهرت تامی بواسطه عملیات روحانى و به جهت حسن خلق موروثی و خدادادى در میان افراد عام و خاص شهر مشهد مقدس محبوبیتی فوق‌العاده یافت و تا پایان عمر از محرمان و مشاوران و مشکل‌گشایان مردم گرفتار، نگران و مضطر و ناامید و بیمار به شمار می‌رفت و از علوم روحانى و ادعیه او مردم عام و خاص بهره می‌گرفتند.

شخصیت حافظیان در هندوستان و پاکستان

استاد سید ابوالحسن حافظیان از یک بیماری طولانى ذات‌الریه در اوایل جوانی و معجزه شفا یافتن او توسط جد بزرگوارش حضرت امام رضا(ع) که خود مبحث جداگانه‌ای دارد که باید از آن سخن گفت. اطباء به او تجویز کردند که در زمستان باید به گرمسیر برود. ایشان در سال ۱۳۵۱ ه.ق به سرزمین هندوستان سفر کرد و بار اول

مدت ۱۰ سال و شش ماه در آنجا اقامت گزید. ایشان در حدود نیم قرن در هند و پاکستان زندگی کرد او در تمام مدت اقامت خود با رجال و دانشمندان و سران کشوری و لشگری آن کشور در ارتباط بود مخصوصاً پس از استقلال پاکستان یکی از شخصیت‌های علمی و متنفذ این کشور بحساب می‌آمد و با حفظ ملیت ایرانی خود خدمات زیادی به‌منوعان بخصوص ایرانیان می‌کرد ایشان صدر انجمن ایرانیان در پاکستان محسوب می‌شد و به مشکلات آنان بسیار همت می‌گماشت. او مریدان و علاقمندان بسیاری در میان رجال دانشمندان و دانشگاهیان و بویژه مردم دیگر داشت و مردمان آن سرزمین پهناور اکثراً به او عشق می‌ورزیدند و از او یاری‌های معنوی می‌جستند و نتیجه هم می‌گرفتند خانه او مرکز رفت و آمد خلق و مردم بود و او با فروتنی همه را به نحوی می‌پذیرفت و گره از مشکلاتشان می‌گشود. (استاد حکیمی می‌نویسند: حافظیان با علامه اقبال پاکستانی دوستی و آشنائی داشته است و جریان‌هایی را از ایشان نقل می‌کردند. آقا سال‌های آخر عمرشان به فکر افتادند که شرح حالی برای علامه اقبال بنویسند حتی صفحاتی نیز از این شرح حال نوشته شد بخصوص علل گرایش اقبال به ایران و تشیع در آن شرح حال بررسی شده بود و ...

در ادامه می‌نویسند موضوع دیگری که در محضر آقای حافظیان دیدم و بسیار جالب بود عکس‌گاندی رهبر فقید ملت هند در مجلس سوگواری امام حسین(ع) در پای منبر یکی از واعظان شیعه بود ایشان آن عکس را در مجموعه عکس‌هایی که داشتند نگهداری می‌کردند).

روزنامه معروف و پر تیتراژ «دان» حدود ۵۰ سال پیش مطالب مفصلی در مورد لوح محفوظ به چاپ رسانید و علامه سید ابوالحسن حافظیان را با تیتراژ «دانشمند و ریاضیدان بزرگ» خطاب کرده بود.

در آن روزگار عکس این عارف بزرگوار در اکثر کتابفروشی‌های هند بود و اکثر مردم از هندو و مسلمان عکس او را در خانه خود داشتند.

مسافرت حافظیان به هندوستان

علامه عطاردی در کتاب فرهنگ خراسان- بخش طوس نوشته‌اند: «او پس از تحصیلات و فراگیری علوم متعارف و کسب فیوضات معنوی از محضر اساتید از جمله مرحوم نخودکی و سید موسی زرآبادی و شهرهای دیگر ایران عازم هندوستان شد و در آن کشور پهناور مقیم گردید او در هندوستان به محافل و مجالس اهل علم و ادب و عرفان نزدیک شد و در اکثر شهرها و ولایات هندوستان به تحقیق و تفحص پرداخت و با طبقات گوناگون آشنا شد حافظیان پس از مدتی اقامت در هند یکی از شخصیت‌های بزرگ مسلمان در آن کشور درآمد و در همه شهرها و ولایات مشهور گردید او سالها در شهرهای شمالی هندوستان و کوهستانهای کشمیر به ریاضت و کسب معرفت پرداخت و به تکمیل نفس مشغول شد.»

حافظیان در سیر و سلوک و سفر در هندوستان

آوازه او در همه جا بود و مردم از نفس گرم او بهره می‌بردند و شفا می‌یافتند. رجال مسلمان، دانشگاهیان و بازرگانان معتبر ایرانی

و هندی و مهاراچه‌هائی که در ایالت‌های مختلف هند حکم میرانند از مریدان و دوستان او بودند. راه درست و کلام گیرا و روش اسلامی او و هندوهای بسیاری را تحت تاثیر اسلام قرار داد و مسلمان نمود . او در اطراف و اکناف هندوستان شهرها و ولایات گوناگون را سیاحت نمود و از گوشه و کنار هند دیدن کرد به شهرهای (هردوار) و (ریشی کیش) و (لچمن جول) در کنار رود گنگ با مرتاضان بزرگ هند ملاقات کرد و گفتگو با آنان را آغاز نمود. گنگ رود مقدس هندوها می‌باشد او در (هردوار) مانند هندوها در آب رودخانه گنگ خود را شستشو داد و در بت‌خانه در حالی که پشت به طرف بت‌ها و رو به قبله بود به نماز خواندن پرداخت و بعد از نماز با صدای بلند و لحن مخصوص قاریان قرآن تلاوت کرد مرتاضان زیادی قرائت او را با صوت روحپروری که داشت شنیدند آنان معانی آیات را درک نمی‌کردند ولی بسیار تحت تاثیر آیات آسمانی با صوت خوش او قرار گرفتند.

حافظیان در ناحیه دکن هجده غار تاریخی را که در چهار هزار سال قبل بنا کرده‌اند دیدن کرد این غارها متعلق به هندوها می‌باشد و هر کدام برای خود تاریخ و خصوصیتی دارند که شرح آنها شنیدنی است. این استاد بزرگ با روح عرفانی و جستجوگر خود در هند، از کتابخانه‌ها، خانقاهها و مقامات متبرکه مذاهب مختلف دیدن نمود و در جستجوی مرتاضان بر آمد. استاد حافظیان در سراسر هندوستان عالمان صاحب کمال را یافت. در بیابان‌ها، کوه‌ها و جنگلهای کشمیر و سرزمین پهناور هند گردش کرد. در کشمیر شروع به تصنیف لوح محفوظ کرد که از عجایب علمی و شگفت‌انگیز می‌باشد نمود. با مرتاضان مناطق گوناگون هم سخن شد و از علوم

و معارف آنها اطلاع حاصل نمود و از تخصص و مهارت آنها در علوم باطنی بهره‌مند شد او آنها را با بیان شیوای خود محظوظ می‌کرد و اسلام را در آن سرزمین ترویج می‌داد و هندوهای بسیاری به اسلام گرویدند که شرح مفصل و فرصتی طولانی می‌طلبد که کرامات و کمالات این سید بزرگوار را در سالهای اقامت در شبه قاره هند به رشته تحریر بیاوریم.

ازدواج و خانواده

استاد حافظیان در میان خانواده خود بسیار مهربان و پدر و همسری پر عطف و واقعاً با رفتار و منش اسلامی بود امور زندگی داخلی او، اداره و تربیت فرزندان بدست بانوی ارجمند و با تدبیرش بود و با اینکه آقا بواسطه ناراحتی تنفسی که داشتند و به تجویز پزشکان در زمستان و هوای سرد به سفر هند و پاکستان می‌رفتند همسرشان با درایت فرزندان را در مسافرت‌های زمستانی پدر اداره می‌کرد و در کمالات آنان می‌کوشید و آنان را به ثمر می‌رساند آقا گاه در جمع خانواده بخواهش فرزندان خاطراتی را می‌فرمود و صحبت‌هایی را می‌کرد که یقیناً در کتاب زندگی پر بار او خواهد آمد. حافظیان بعد از سالهای زیاد اقامت در هندوستان به توصیه دوستان و مریدان خود که ازدواج را به ایشان اصرار می‌ورزیدند با دختر خانم سیّده ای پیوند زناشویی بستند. این عارف وارسته بعزت مشغولیات علمی عرفانی و تحقیقات از این امر غافل بودند. ولی دوست نزدیک ایشان زاهد روحانی آقا شیخ حسین قزوینی طاب ثراه که سالها در راه علم و عمل می‌کوشید و در هند و نجف اشرف در آمد و رفت بود برای آقا سیّده‌ای نجیب و تحصیلکرده فرزند

«پروفسور میرزا علی نقی شریفی» که از اساتید دانشگاه بمبئی بود را در نظر گرفتند و توصیه فرمودند که ازدواج با این دختر با شئونات آقا بسیار برازنده است این دختر از نسل پیامبر اکرم(ص) و از نوادگان میر سید علی همدانی که عارفی بزرگ در کشمیر بوده است و در آنجا مقبره‌اش زیارتگاه مردم و مریدانش است می‌باشد. آقا به این امر اراده فرمودند و در سال ۱۹۴۵ میلادی در بمبئی هندوستان در جمعی از عرفا، دانشگاہیان و بازرگانان و مریدان که اکثراً ایرانی بودند در فضائی کاملاً روحانی و عرفانی با این دوشیزه بنام سیده فاطمه سلطان شریفی پیوند زناشویی بستند و بعد از آن برای تکمیل «لوح محفوظ» از بمبئی به کشمیر رفتند و «لوح محفوظ» را که مدتها در کشمیر مصروف و مشغول به این گنجینه که از آثار شگفت‌انگیز علمی است بودند به پایان رساندند به بمبئی برگشتند و با همسر خود بعد از سالیانی عازم ایران و مشهد مقدس شدند و به شهر زادگاه خود بازگشتند و در این شهر مقیم شدند.

آشنائی با حافظیان

«محقق اندیشمند، استاد عطاردی در کتاب فرهنگ خراسان می‌نویسد: در سفر اول به شبه قاره هند و پاکستان با وی آشنا شدم و در منزل او در کراچی برای اولین بار او را ملاقات نمودم و از وی برای تحقیق و تتبع و مطالعات اسلامی کمک خواستم و از وی درخواست نمودم تا مرا با رجال علم و ادب و مدیران کتابخانه‌ها که اغلب از آشنایان و علاقمندان او بودند آشنا کند و معرفی نماید. در ملاقات نخستین پیام مرحوم شیخ عبدالحسین امینی مولف بزرگ کتاب الغدیر را به وی رسانیدم و گفتم حضرت آقای امینی (علامه

امینی) به من فرمودند: در کراچی نزد آقای حافظیان بروید که او کلید هند و پاکستان است و.....»

بنای مسجد در کشمیر

«حافظیان در شهر سرینگر کشمیر برای شیعیان محله «گرو بازار» مسجدی ساخته است و این مسجد برای شیعیان آن محل بسیار مورد استفاده می‌باشد. در دامنه کوه «ترال» کشمیر کوه‌ها و آبادی‌های زیادی می‌باشد و گروهی در آنجاها زندگی می‌کنند آنها سمت قبله را بدرستی تشخیص نمی‌دادند. در آنجا برج مربعی ساختند و سنگی در آنجا نصب کردند و قبله را روی آن سنگ مشخص نمودند. در آن محل نوشته شده در اینجا دو رکعت نماز بگذارید و حاجت خود را از خداوند بخواهید اکنون آن محل در میان شیعیان و اهل سنت به نام (آستانه) معروف است. همه ساله در نیمه شعبان مردم در آنجا اجتماع می‌نمایند و حاجات خود را از خداوند طلب می‌کنند. از کارهای سید ابوالحسن حافظیان تالیف و تصنیف لوح محفوظ است که آن را در کشمیر فراهم نموده که یکی از کارهای علمی شگفت‌انگیز می‌باشد و یکی از کارهای او ساخت ضریحی برای روی قبر مبارک حضرت رضا (ع) است که اکنون روی قبر مطهر قرار دارد (تاریخ نگارنده ۱۳۷۹ شمسی). او در شهرها و ولایات و کشورها دوستان فراوانی دارد که از او طلب دعا می‌کنند و او هم در حد توان خود در این مورد انجام وظیفه می‌کند.»

مقام ابوالحسن مشهدی

حافظیان را در هندوستان ابوالحسن مشهدی می‌گفتند او قبل از اینکه به پاکستان مهاجرت کند به نام ابوالحسن مشهدی معروف بود. او در میان یکی از جنگلهای کشمیر در دامنه کوههای سربفلک کشیده و مستور از درختان انبوه جنگلی دور از هیاهوی این دنیا برای خود محلی انتخاب کرده بود و در آنجا به ریاضات مشغول بود. او در میان جنگل سکونی برای خود ساخته بود. شبها بوسیله نردبانی بالای آن می‌رفت نردبان را بالا می‌برد و در آنجا استراحت می‌کرد. در تاریکی شب در آن جنگل پهناور کشمیر با خدا راز و نیاز می‌کرد. حیوانات جنگل پیرامون آن سکو جمع می‌شدند و سر و صداهائی داشتند. هوا که روشن تر می‌شد جانوران پراکنده می‌شدند و می‌رفتند و او هم پائین می‌آمد و به اعمال و ریاضات الهی مشغول می‌شد. ایشان لوح محفوظ را که اثری بدیع و علمی می‌باشد در کشمیر تالیف کرده. علامه محمد رضا حکیمی در مورد لوح محفوظ نوشته‌اند: «لوح محفوظ یکی از عجایب بدیع علمی است که در همان سرزمین «کشمیر» تصنیف کرده است (مکتب تفکیک)». اکنون آن محل در کشمیر به نام «مقام ابوالحسن مشهدی» معروف می‌باشد. مسلمانان و شیعیان کشمیر به این محل می‌آیند و یاد سید ابوالحسن مشهدی را گرامی می‌دارند. آن محل در کشمیر مورد احترام می‌باشد.

لوح محفوظ

«عنوان فوق نام کتابی است که توسط حضرت آقای حافظیان تصنیف گردیده است. این کتاب بسیار فنی و پیچیده می‌باشد و برای

خواص که به ان فنون آشنائی دارند قابل استفاده است، لوح محفوظ همه اش اعداد می باشد و با روش خاصی و محاسباتی که انجام گرفته تألیف و منتشر شده است.

مرحوم حافظیان در کتاب «لوح محفوظ» از آیات قران مجید و اسماء الحسنی استفاده کرده و آنها را با یکدیگر ترکیب و محاسبه می کند و از جمع اعداد طبق نظریاتی که دارد نتیجه می گیرد، این کتاب در ایران، پاکستان و هندوستان در نزد خواص موجود است و گروهی از آن استفاده می نمایند.»

«تقدیم به ساحت قدسی نفس پدر بزرگوارم»

گنج نهان

چون موج به دریای کمال تو تپیدیم
تا ساحل مقصود* ز فیض تو رسیدیم
هر شب به هوای تو سفر کرد دل تنگ
در راه غمت دولت دیدار ندیدیم
با یاد نگاه تو و شیرین کلماتت
بر دفتر صد خاطره چون اشک چکیدیم
در زیر چراغ گل و پیراهن مهتاب
تا وقت سحر بر تن دل جامه دریدیم
از چین و شکن های شب زلف درازت
کوتاه شده دست ولی دل نبریدیم
ای گنج نهان! حافظیان! نفس خداگوی
آیات کرامات تو از دوست شنیدیم
تو جلوه توحید* شدی در گذر عمر
ما جرعه تهلیل ز لعل تو چشیدیم
در مکتب اسرار* تو با شوق نشستیم
لا حَوْلَ ... کنان پای به پای تو دویدیم

تا کعبهٔ مقصود* تو شد جلوه گه یار*

لبیک زنان از گل عرفان تو چیدیم

از چشمهٔ اسرار* تو و مطلع انوار*

سرمست شدیم از دوجهان پای کشیدیم

در میکده ات نفعهٔ سبحانی دلجوی!

خلوت بگزیدیم و ز اندوه رهیدیم

تو نام شب و کهنه کلید در عشقی

بگشای در لطف که ما بحر امیدیم

ای خاطر بشکفتهٔ میقات خراسان

در خطهٔ کشمیر قدم های تو دیدیم

گشتیم همه شهرهٔ آفاق در این شهر

ای یوسف خوشنام! که ناز تو خریدیم

یک جرعه ز خمخانهٔ عشقت به تبرک

بردیم و ز "قدسی" نفست جان طلبیدیم

چون لوحهٔ محفوظ تو، "فیروزه" خاتم

بر لوح فلک هیچ ندیدیم! ندیدیم!

سرودهٔ سیده فیروزه (قدسی) حافظیان تهران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۶

* این عبارات - به تعداد ۷ عبارت - از اسماء مبارک "لوح محفوظ" الهام گرفته شده است.